

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال ششم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

ص ۱-۱۶

بررسی مبانی فلسفی دین صابئین مندائی و استخراج آموزه‌های تربیتی از آنها

عزیز سواری* مسعود صفایی مقدم** سیدجلال هاشمی*** قیس مغشغش السعدی****

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی مبانی فلسفی دین صابئین مندائی به منظور استخراج آموزه‌های تربیتی و اخلاقی آنها بپردازد، بدین منظور با روش سندی و تحلیلی-استنتاجی، چهار مقوله‌ی فلسفی این دین شامل هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مورد بررسی تحلیلی قرار گرفته‌است. صابئین مندائی-یکی از قدیمی‌ترین ادیان توحیدی جهان- که هم اکنون به آرامی و سکوت در کنار کرانه‌های رود کارون و کرخه زندگی می‌کنند. در این دین، هستی فراتر از طبیعت و توسط خداوند بزرگ ازلیبا «هیی ربی قدمای» طی چندین مرحله آفریده شده‌است. انسان شریف‌ترین موجود خلقت و متشکل از دو بعد مادی (پغرا) و غیرمادی (شامل روها و نشمتا) است. حقیقت انسان، همان نشمتا یا نفس اوست که بر خلاف پغرا، فناپذیر و جاویدان‌است. انسان موجودی مکرم، مختار، مسؤول و دارای صبغه الهی‌است. معرفت در دین مندائی دارای اهمیت ویژه‌ای است و مقدم بر ایمان و عمل دانسته شده و اساساً مندا به معنای دانش یا معرفت است. منشأ و خاستگاه ارزش‌های مندائی، خداوند (هیی ربی قدمای) است و ارزش‌های مختلف به صورت دستوراتی در کتب مقدس مندائی بیان شده‌اند؛ تأکید عمده بر روی طهارت، صلح و همزیستی‌است. در پژوهش حاضر، روش‌های تربیت ارائه شده و در پایان به ویژگی‌های تربیت مندائی اشاره شده‌است.

واژه‌های کلیدی

صابئین مندائی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، تربیت مندایی.

*دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

azizsawari@gmail.com

safaei_m@scu.ac.ir

J.hashemi@scu.ac.ir

darabsha@yahoo.com

**استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

***استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

****استاد مرکز مطالعات اسلامی و ادیان شرقی، دانشگاه توبینگن، آلمان

تاریخ وصول ۹۳/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش ۹۴/۰۵/۰۲

مقدمه

دلالت‌هایی را که برای تعلیم و تربیت دارد، بیان‌گردد. در مقوله‌ی هستی‌شناسی در دین مندائی، به بررسی مبدأ و جریان هستی و نگاه این آئین به پایان و فرجام جهان، در مقوله‌ی معرفت‌شناسی به ماهیت شناخت و چیستی معرفت، منابع و ابزارهای شناخت، در مقوله‌ی ارزش‌شناسی از منشأ و خاستگاه ارزش‌ها، نسبیت مطلق بودن و سلسله مراتب آن‌ها و در مقوله انسان‌شناسی، به ابعاد، خصوصیات و ویژگی‌های انسان در دین مندائی پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش در چارچوب اهداف، اصول و روش‌های تربیتی آیین دینی صابئین مندائی ارائه می‌گردد.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش سندی و تحلیلی - استنتاجی است. در بخش پژوهش سندی، مهم‌ترین کتاب‌های مقدس مندائیان همچون «گنزا ربا» و «دراشا اد یهیا» مورد مطالعه و کاوش قرار می‌گیرند که در سال ۲۰۰۱ توسط علماء و روحانیون بزرگ مندائی از زبان مندائی به زبان عربی ترجمه شده‌اند. در قسمت استنتاجی نیز مهم‌ترین و کلیدی‌ترین آموزه‌های تربیتی بر اساس متون و اسناد اصیل مندایی استنتاج و دسته‌بندی می‌شود.

قبل از پرداختن به تحلیل مبانی فلسفی دین صابئین مندائی، لازم است در ابتدا برخی از اعتقادات مهم آنان بازگو گردد.

۱- عقاید دینی صابئین مندائی

دین صابئین مندائیکه از کهن‌ترین ادیان الهی است که بر پایه‌ی ارکانی همچون توحید، نبوت و اعتقاد به روز واپسین بنا شده است.

صابئین مندائی، قومی آرامی و از نژاد سامی می‌باشند (برنجی، ۱۳۶۷: ۹). این قوم از اولین آوارگان فلسطینی هستند که بیش از دو هزار سال پیش بر اثر نزاع با یهود از فلسطین و به ویژه کناره‌های رود اردن به سوی شمال سوریه (حران) و بین‌النهرین و سپس تعدادی به ایران - خوزستان - مهاجرت کردند (سیادت، ۱۳۷۴: ۲۶۳) به زبان محلی ایشان را «صُبی»، به ضم «ص» می‌نامند که ظاهراً از ریشه‌ی «صُب» عربی به معنای «ریختن آب» می‌باشد از آن روی که مناسک دینی آنان غالباً با تمعید در آب جاری همراه است (دراور، ۱۹۳۷: ۱۲).

جای شگفتی است که علی‌رغم تعداد اندک پیروان این دین و کتمان اسرار دینی و مناسک‌شان چگونه مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته‌اند، به طوری که در قرآن در سه مورد از «صابئین» یا «صابئون» نام برده شده و آن‌ها را در ردیف اهل کتاب قرار داده است (مرانی، ۱۹۸۱: ۳) بررسی‌های اخیر نیز نشان دادند که صابئین مردمی موخند و تنها خدا (هیی) را می‌پرستند و به عدالت ذات اقدسش و نیز حیات بعد از مرگ (معاد) مومن و معترف‌اند. همچنین اعتقاد دارند که نیکوکاران پس از مرگ به عالم نور (آلما دنهورا) و گناهکاران به عالم ظلمات (آلما دهشوخوا) می‌روند و در آنجا برحسب گناهان خود مجازات می‌شوند. (العقاد، ۲۰۰۲: ۱۳۵) قتل نفس، سوگند دروغ، خوردن و آشامیدن قبل از غسل جنابت، راهزنی، زنا، ازدواج با غیرمندائی، شهادت به دروغ، ریاخواری، خیانت در امانت، قمار و ... از محرمات دین مندائی است. (النصار و نشمی، ۱۹۹۷: ۱۰۳)

در این تحقیق سعی بر آن است که دین مندائی به عنوان آیینی که بر مبانی فلسفی ویژه‌ای استوار است، مورد بررسی قرار گیرد و ضمن پرداختن و تحلیل مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی،

۱-۱- توحید در دین صابئین مندائی

مراجعه مستقیم به کتب مقدس مندائیان نظیر «گنزا ربا» و «دراشا اد یهیی»، بیانگر این موضوع است که خالق جهان هستی، خداییکتا و یگانه‌ای است که در دین مندائی به «هیی ربی قدمایی» معروف است. هیی ربی مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبّر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است. پروردگار یکتایی که از ازل بوده و تا ابد باقی خواهد ماند، مرگ و تحوّل بر او راه ندارد و کسی او را نیافریده، بلکه به تعبیر «گنزا ربا» از ذات خود منبعث شده است. تصویری که متون مندائی نظیر «گنزا ربا» و «دراشا اد یهیا» درباره‌ی خداوند (هیی ربی) بیان می‌کنند، نوعی وحدانیت و یگانگی است:

لا أب له و لا ولد و لا یشارکة ملکہ أحد و لا صاحب له فی صولجانہ (گنزای راست: ۲) نه پدری دارد و نه فرزندی، هیچ شریکی در ملکش نیست و قرینی در اقتدارش نیست.

همچنین در کتاب دراشا اد یهیا از زبان حضرت یحیی (ع) آمده است:

رکبتای اللتان سجدا للحی العظیم لن تسجدا للشیطان والأصنام (دراشا اد یهیا: ۵۱) زانوهای من که فقط برای خدا سجده می‌کنند، هیچ وقت برای شیطان و بت‌ها سجده نخواهند کرد.

۱-۲- نبوت

نبوت، یکی از اعتقادات مهم دین مندائی است. مندائیان خود را از پیروان حضرت آدم، شیث بن آدم، حضرت نوح، سام بن نوح و بالاخره حضرت یحیی (ع) می‌دانند. مهم‌ترین صفت پیامبران صابئین مندائی را می‌توان تعلیم و ارشاد مردم دانست. کتب مقدس، انبیای مندائیان را معلمان اخلاق و خداپرستی معرفی می‌کند که همواره مردم را به سوی خدا (هیی ربی) و نشان دادن

حقیقت (کشطا) رهنمون می‌سازند.

علی العهد ثابت سام بن نوح، یعظ و یعلم (دراشا اد یهیی: ۵۶) سام فرزند نوح بر پیمان و عهد خود پایدار و استوار است، مردم را موعظه و تعلیم می‌دهد. یحییعیظ فی الأماسی و یتحدث حدیثاً سماویاً (دراشا اد یهیی: ۶۸). یحیی شبانگهان موعظه می‌کند و سخنانی آسمانی می‌گوید.

۱-۳- معاد

معاد، یعنی عودت و بازگشتن به حیات و زندگانی اخروی در نزد صابئین مندائی بسیار مورد توجه است. (عجیل زاده، ۱۳۷۶: ۵۹) مندائیان به جهانی غیر از جهان مادی اعتقاد دارند آنان این دنیا را فانی و فاقد ارزش معنوی می‌دانند و به نظر آنان دنیایی ابدی و جاویدان غیر از این دنیای خاکی موجود می‌باشد که تمام افراد خوب و بد آنجا می‌روند. (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۹۱)

مندائیان اعتقاد دارند که روان (نشمتا) هر فردی پس از مرگ برای سنجش گناهان و همچنین خوبی‌هایش در آغاز به جایی به نام «اباثر مزینا» می‌رود. (عربستانی: ۱۳۸۳: ۵۰) در «اباثر» درباره اعمال انسان داوری شده و اگر آدم خوبی بوده به «آلما دنهورا» (بهشت) می‌رود و اگر مرتکب گناهی شده باشد باید جزای کار بد خویش را در جایی به نام «مطرائی» که محل مجازات روان گناهکاران ببیند، مطرائی جایی از آلما دهشوخوا یا جهنم است. (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۹۱)

۱-۲- هستی‌شناسی مندائی

هستی در دیدگاه مندائیان مخلوق، حادث و فراتر از جهان طبیعت است. پدیدآورنده‌ی آن خداییکتاست که در تعالیم مندائی به «هیی ربی قدمایی» (پرودگار بزرگ ازلی) معروف است. هیی ربی منشأ و خاستگاه تمامی ارزش‌ها و

گردیده که قبله‌گاه مندائیان نیز به حساب می‌آید. آلماد نهورا جهانی ابدی، جهان رحمت، جهان بدون طغیان و سرکشی، دنیای عدالت و جهان روشنایی و نور است. به «آلماد نهورا» بهشت نیز می‌گویند. در پایین‌ترین قسمت این جهان، «آلماد هشوخا» یا جهان تاریکی که نسبت به «آلماد نهورا» در مرتبه‌ی پست‌تر و مادون‌تری است، قرار دارد که از طبقات مختلفی تشکیل شده و روها، مادر بدی‌ها بر آن حکمرانی می‌کند. (عربستانی، ۱۳۸۳: ۵۳) علاوه بر این، بین این دو جهان، طبقات دیگری همچون مطراثا (مطهرات) و ابائر مزینا (ترازوی ابائر) قرار گرفته‌اند.

۲-۲- انسان‌شناسی دین صابئین مندائی

انسان در دین صابئین مندائی مخلوق و آفریده‌ی هیبربی و برخوردار از کرامت و منزلت خاصی نسبت به سایر موجودات جهان هستی است. تعالیم مندائی، انسان را دارای ابعاد گوناگونی می‌داند:

الف) نَشْمَتَا: شریف‌ترین و گرامی‌ترین بعد انسان، موجودی اثری از جهان نور، حقیقت انسان، نامیرا، ناشناخته و مرموز، پاک و دارای قوه‌ی عاقله است که به نفس یا روان ترجمه شده‌است. «نَشْمَتَا» اگر چه با اختیار خود به زمین (عالم پست) هبوط نکرده، اما در نهایت به خاستگاه خود، یعنی آلماد نهورا باز می‌گردد. معادل نَشْمَتَا، را در تعالیم اسلامی، می‌توان «روح» دانست.

ب) پَغْرَا: معادل جسم است که متشکل از عناصر جهان طبیعت (گل و باد و آتش) می‌باشد، نسبت به نَشْمَتَا در مرتبه‌ی پایین‌تری قرار گرفته، فناپذیر است و در نهایت به منشأ خود، یعنی خاک برمی‌گردد. بر اساس تعالیم مندائی، پَغْرَا به امر هیبربی و توسط یکی از فرشتگان به نام «ابناهییل» خلق گردیده است. بدون حضور نَشْمَتَا، پَغْرَا ناپاک و نجس خواهد بود، به‌همین دلیل دین مندائی، پیروان خود را از مس کردن جسد میت اکیداً منع

کلمات است. «کنزاربا» و دیگر کتب مقدس مندائی صفات بسیاری را به هیبربی منسوب می‌کنند؛ ربوبیت (ربوئا)، خالقیت (بارایا) و وحدانیت (هادیوئا) سه صفت مهم این پروردگار توانا است. علاوه بر این خدای مندائیان، حکیم (هکیم)، عزیز (ازیزا)، مهربان (مرهمانا)، بزرگ (مرورب)، دانا (یادویا) که شریکی در ملکش وجود ندارد (لاشوئابا بشلطانا)، نه زاده می‌شود و نه می‌زاید، بلکه از ذات خود منبعث شده‌است (اد من نفیسا افراش) حکیم بودن (هکمتا) هیبربی ایجاب می‌کند که آفرینش هستی عبث و بیهوده صورت نگیرد، بلکه دارای غایت و برنامه‌ای منظم باشد.

اولین مخلوقات، فرشتگان نور بودند که در جهانی به نام «آلمادنهورا» (جهان نور) به امر و اراده‌ی هیبربی (به تعبیر کنزاربا کلمه) آفریده شدند. فرشتگان نور که گاه از آن‌ها به «اثری‌ها» تعبیر می‌شود، در حقیقت کارگزاران اصلی خداوند در جهان هستی‌اند. تعالیم مندائی، کارکردهای متنوعی را به این مخلوقات منتسب می‌کند. ملکا «مندا اد هیبربی» به معنای عرفان خداوند یا فرشته‌ای که بیشترین شناخت را به هیبربی دارد، معروف‌ترین اثری‌های جهان نور است که مندائیان نام خود را از آن اخذ نموده‌اند.

هستی بنا به آیه‌ی «ادقشش» - که در کتاب انیانی آمده- در سه دوره یا سه حیات در فواصل زمانی بسیار طولانی نسبت به هم تکامل یافت. در طول این ادوار، فرشتگان وظایف متعددی بر عهده‌داشتند. پس از پایان این مراحل سه‌گانه، جهان طبیعت به امر خدا و به‌وسیله فرشتگانی همچون «ابناهییل» و «هیبل‌زیوا» خلق گردید، تا زمینه‌ای برای فرود نَشْمَتَا آدمی از آلمادنهورا یا جهان نور باشد. (انیانی، ۲۰۱۱: ۴۳-۳۹)

جهان در اندیشه‌ی مندائی، مطبّق است. آلماد نهورا یا جهان نور در بالاترین مکان و در منتهالیه شمالی واقع

کرده‌است.

ج) روها: که گاه از آن به عنوان «مادر بدی‌ها» یاد می‌شود در حقیقت بعدی انسان‌شناختی است که مسؤل ارضای نیازها و غرایز غیرطبیعی و سیری‌ناپذیر جسمانی آدمی است. پیروی از روها مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته و باعث فراموشی حقیقت نورانی نشماتا خواهد شد.

بر این اساس می‌توان انسان را در دین صابئین مندائی، با عنوان «عالم اصغر» نام‌گذاری کرد از آن جهت که عصاره و خلاصه‌ی جهان هستی و مرکب از عنصری از جهان نور(نشمتا) و عنصری از جهان پست یا طبیعی(پغرا) است. دو بعد انسان(مادی و معنوی) نسبت به هم‌دیگر بی‌تفاوت نیستند، بلکه از هم تأثیر و تأثر می‌پذیرند. پغرا نسبت به نشمتا تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. شیاطین از طریق روها می‌توانند انسان را از هدف اصیل و غایی خود غافل نمایند. علاوه بر این شرایط مختلف زمانی(همچون اعیاد)، مکانی(زیستن کنار آب‌های جاری) و اجتماعی بر انسان بی‌تأثیر نیستند.

اهداف و فلسفه‌ی خلقت انسان را که شامل؛ عبادت و تسبیح هی‌ربی، تعلیم حکمت، رحمت و محبت هی‌ربی، نماینده‌ی جهان نور در زمین بودن(همان خلافت)، امتحان و آزمایش او را می‌توان از تعالیم مقدس مندائی کشف و استخراج کرد. انسان موجودی مکلف و مسؤلیت‌پذیر و در قبال اعمال خود شخصاً پاسخگو است. در روز بزرگ حساب، هیچ‌کس گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و پاداش و ثواب یک عمل تنها به فاعل آن بر می‌گردد. نشمتای انسان -که جوهر حقیقی او را تشکیل می‌دهد- مفظور و مصبوغ است و دارای رنگ و بوی جهان نور است. بنابراین نباید انتظار داشت که کاشتن هر بذری در آن ثمره‌ی مطلوب را برآورده می‌سازد.

مرگ به معنای نابودی نیست، بلکه به تعبیر «گنزا ربا»

حق است و در آن نشمتای محبوس شده در پغرا آزاد می‌شود و به سوی خاستگاه و منشأ خود بازمی‌گردد. مرگ، فراغت دو بعد اساسی انسان، یعنی نشمتا و پغرا از هم‌دیگر و بازگشت هر کدام از آن‌ها به اصل خود است. نشمتای زنده و پاک به خانه خود و عروج به آلمان نهورا و پغرا به خاک(طینا).

۲-۳- معرفت‌شناسی مندائی

معرفت‌شناسی نظریه شناخت مندائی بنیادهای معرفت را در دین صابئین مندائی تعریف می‌کند. معرفت در دین مندائی، دارای اهمیت بسزایی است. واژه‌ی «مندا» که کلمه‌ای از زبان آرامی شرقی(مندائی) است به معرفت و شناخت ترجمه شده‌است. به همین دلیل به مندائیان، پیروان دانش یا پیروان شناخت نیز می‌گویند.(فروزنده: ۱۳۷۷: ۱۴).

در مورد اهمیت معرفت و ضرورت کسب آن در دین صابئین مندائی می‌توان به تقدم معرفت و شناخت بر ایمان، منشأ الهی بودن معرفت، هبوط نشمتای انسانی به پغرا بعد از تجهیز آن به سلاح ناصورائی(علم اولیه الهی به بشر)، مقام والا و مرتبه‌ی عالی معلمان و مربیان و طلب آموزش و استغفار برای آنان از سوی مندائیان در بیشتر مناسک دینی، نکوهش افراد جاهل و نادان، دوری از خرافات و جهل، ارسال رسولانی که مهم‌ترین وظیفه‌ی آنان به تعبیر گنزاربا و دراشا اد یهیی، تعلیم و تعلم و افزایش معرفت و دانایی مردم نسبت به هی، خود و جهان آفرینش را می‌توان مهم‌ترین دلایل در اهمیت کسب معرفت دانست.

در دین صابئین، معرفت چنان اهمیتی دارد که قبل از ایمان بایستی آن را فراگرفت. ایمان بدون معرفت و آگاهی، ایمان حقیقی نیست. نادانی آفت بسیار عظیمی است و عواقب نامطلوبی بر فرد و جامعه و دین

خواهد گذاشت. مشرکان، کافران و اشرار در حقیقت افراد نادانی هستند و وقتینور معرفت هیبی بر قلب و عقل آنان تابیده شود، دست از جنایات و اعمال شرور خود برخواهند داشت. (کنزای ربای راست: ۳۶) بنابراین بهترین وسیله برای تغییر و تحول افراد، افزایش آگاهی و شناخت آنان است.

تعالیم مقدس مندائی پس از معرفی انسان به عنوان موجودی که توانایی فهم و کسب معرفت را دارد، به دنبال علم و معرفت رفتن را وظیفه‌ی همگانی معین کرده است. همه بایستی معرفت کسب نمایند و آنرا به دیگران آموزش دهند. کوتاهی در ادای این وظیفه‌ی مهم به هیچ وجه پذیرفتنی نیست و گناه بزرگی محسوب می‌شود. «لقد بسط الله حکمته الثابتة و رسم لکم طریق الحق فمن لا يتعلم و لا یسلک طریق الحق یکن من الخاطئين» (کنزای ربای یمین، به نقل از المرانی، ۱۹۸۱: ۴۷۱) همانا که خداوند حکمت خود را گسترانید و راه حق را برایتان رسم نمود پس کسی که معرفت را فرا نگیرد و راه حق را در پیشنگیرد، از گناهکاران است.

انسان در آموزه‌های مندائی دارای ابزارهای شناختی گوناگون و متنوعی است؛ حس، مانا (قوه‌ی عاقله بشر)، شهود، تجربه، تفکر در پدیده‌های طبیعی و تأمل در کتب مقدس (داستان دنانوخت و تأمل در دیصای کوچک که در کنزای ربای آمده است)، الهام، وحی و نبوت از مهم‌ترین این ابزارهاست. دین مندائی همانند سایر ادیان بزرگ الهی، بیشترین اهمیت را به وحی می‌دهد. تعالیم الهی در کتب مقدس از سوی هیبی‌ربی نازل شده‌اند، بنابراین توانایی پاسخگویی به تمامی نیازهای شناختی و بحران‌های معرفتی در تمامی نحله‌ها و دوره‌ها را دارا هستند. در صورت وجود اختلاف معرفتی بین روحانیون مندائی، بوته‌های کتب مقدس راه‌گشا و راهنما و فصل الخطاب خواهند بود. بر این اساس، تحریف در تعالیم الهی جایز

نیست و گناهی نابخشودنی به حساب می‌آید. با وجود ابزارهای مختلف معرفتی، نباید فراموش کرد که انسان در دین مندائی دارای محدودیت‌های شناختی نیز هست. عواملی نیز با عنوان آفت‌های معرفتی در دین مندائی شناخته و استخراج شده‌اند از جمله؛ شرک ورزیدن، خودبینی و تکبر، تسلط هوا و هوس روها بر نفس، پیروی از شیطان، پیروی از انبیای دروغین، استهزاء و تمسخر، خشم و غضب، بی‌نظمی در کارها، خودفراموشی، انکار حقیقت، سطحی نگریستن می‌توانند مانع کسب معرفت حقیقی گردند.

۲-۴- ارزش‌شناسی مندائی

در دین صابئین مندائی منشأ و مبدأ تمام فضایل، کمالات و ارزش‌های وجودی انسان، خداوند (هیبی‌ربی) است «رأس الأیمان أن تؤمن بأن الله مقيم في الفضائل جميعاً» (کنزای ربای یمین: ۱۷۲) بنابراین هر چیزی که انسان را به مبدأ کمالات نزدیک کند، دارای ارزش و اعتبار خواهد شد. تمام ارزش‌های مندائی حول این ارزش گردآمده‌اند. همچنین ارزش‌های مندائیان، در همه زمان‌ها و مکان‌ها ثابت و بدون تغییرند، و تابع دیدگاه و شخصیت افراد نیست و تحت هیچ شرایطی دستخوش تغییر و دگرگونی نمی‌شوند، بنابراین شاهد ارزش‌های مطلق و ثابتی در دین مندائی هستیم.

ارزش‌های مندائی را می‌توان در کتب مقدس آنان به ویژه «کنزای ربای» و «دراشا اد یهیی» جستجو کرد. ارزش‌ها در دین صابئین مندائی، دارای گستردگی و تنوع زیادی هستند، به همین دلیل می‌توان آن‌ها را به صورت اقسام گوناگونی همچون؛ ارزش‌های اجتماعی (عدالت، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری و تعاون، کمک به نیازمندان)، خانوادگی (احترام به والدین، احترام متقابل همسران به یکدیگر، تقسیم کار در خانواده، تعلیم

غیر از شرح وقایع زندگی حضرت یحیی(ع) که مملو از مطالب پندآموز است، در این کتاب درس‌های دیگری از آن حضرت نقل شده که در آن‌ها می‌توان فن بیان بالا و تکنیک‌های ایجاد ارتباط مردمی را به وضوح تشخیص داد. نمونه‌هایی از آن، درس‌های «صیاد ماهی»، «چوپان نیکوکار» و «کشاورز» هستند. سرفصل‌های تعلیمی دیگری نظیر آیین همسرداری و تربیت فرزندان، راهکارهای اجتماعی برای نظم‌بخشی جامعه، بهداشت فردی و ... را نیز می‌توان در این کتاب یافت. (ماهنامه بیت‌مندا، ۱۳۹۰: ۳).

۳-۱- آموزه‌های تربیتی مستخرج از مبانی فلسفی دین صابئین مندائی

۳-۱-۱- استخراج تعریفی از تربیت مندائی

با مراجعه به متون مقدس مندائی، می‌توان به تعریفی از تربیت در دین مندائی دست یافت. این تعریف از بوته‌های زیر قابل استخراج و استنباط است:

«زکوا نفوس الطیبین و الصالحین لکیسمعن تعالیم الحی» (کنز‌اربا یمین: ۲۰۴) نفس‌های پاکان و نیکوکاران را تزکیه کنید تا شاید تعالیم الهی را بشنوند.

«انظروا باعینکم* و انطقوا بأفواهکم* و اسمعوا بأذانکم* و آمنوا بقلوبکم* و اعملوا صالحا بأیدیکم» (کنز‌اربا یمین: ۲۰) با چشمان خود بنگرید، با زیبانتان تکلم کنید، و با گوش‌هایتان بشنوید، سپس ایمان بیاورید، و با دستان خود عمل صالح انجام دهید.

با توجه به بوته‌های فوق می‌توان تربیت را در دین مندائی این چنین تعریف کرد:

«تزکیه و تهذیب نشمتای مصبوغ انسان، به منظور رسیدن به معرفت حقیقی به خداییکتا و ایمان قلبی به او به عنوان مبدأ کمال و عمل نمودن به تعالیم و دستورات

فرزندان)، دینی(ایمان، توحید، عمل‌صالح، تعمید، ذکر خدا، روزه، نماز، توبه)، اخلاقی(طهارت و پاکیزگی، صبر و ثبات قدم، وفای به عهد)، اقتصادی(کار، صدقه، اطعام فقرا و نیازمندان، قرض‌دادن) و تربیتی(احترام و تواضع در برابر معلمان، لزوم کسب علم و معرفت، تعلیم و تعلم، دعا و طلب استغفار برای معلمان حق) عرضه و تقسیم‌بندی کرد.

۳-۲- تعلیم و تربیت در دین صابئین مندائی

تعالیم و آموزه‌های تربیتی و اخلاقی صابئین مندائی را می‌توان در سایر کتب آنان به ویژه در «گنزا ربا» و همچنین «دراشا اد یهیا» یافت. گنزا ربا مقدس‌ترین کتاب دینی مندائیان است. نام دیگر این کتاب «صحف آدم» می‌باشد که در دو قسمت راست و چپ و به خط مندایی نگارش یافته است. گوینده‌ی آن به‌زعم مندائیان «ملکا هییل زیوا» (جبرئیل امین) است.

موضوعات گنزا ربا متنوع‌اند. مطالبی مانند؛ ستایش و صفات خداوند، چگونگی آفرینش فرشتگان و صفات آن‌ها، چگونگی خلقت هستی و انسان، مواظب اخلاقی همچون برپایی نماز، صدقه‌دادن، استمرار در تعمید، محبت و ورزیدن به همدیگر، همیاری از ستم‌دیدگان و محرومان، روزه گرفتن، احترام به والدین و معلمان، عدم پیروی از شیطان و روها، که دشمن اصلی انسان معرفی شده‌اند و دوری از رذائل اخلاقی همچون قتل، دزدی، زنا و ... محتوای مقدس‌ترین کتاب دینی صابئین مندائی را تشکیل داده است.

کتاب مهم دیگر دینی و تربیتی مندائیان «دراشا اد یهیا» یا تعالیم حضرت یحیی(ع) می‌باشد که در آن تعالیم و پندهای اخلاقی و تربیتی حضرت یحیی(ع) بیان شده است. (المدنی، ۲۰۰۹: ۳۹۲) کتاب تعالیم یحیی درباره زندگی فردی نیز گزارشی از زندگی یحیی تعمیدگراست.

نازل شده از سوی او». عناصر اصلی این تعریف عبارتند از: «تهذیب و تزکیه نفس، کسب معرفت واقعی، گزینش و انتخاب آگاهانه عمل».

۳-۲-۲- اهداف واسطی تعلیم و تربیت مندائی

با توجه به این که هدف غایی تعلیم و تربیت مندائی، «به کمال رسانیدن نفس انسانی جهت نزدیکی به هیبی» مشخص شد و با نظر به این که تحقق این هدف در گروه ظهور زمینه‌ها و قابلیت‌های معینی در نفس انسانی است، می‌توان نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای نیل به این هدف متعالی را مشخص نمود. این موارد را می‌توان به منزله‌ی اهداف واسطی تعلیم و تربیت و در عین حال، مانند چارچوب کلی برای تعیین محتوای تعلیم و تربیت مندائی در نظر گرفت.

برخی از اهداف واسطی تربیت مندائی به شرح زیر است:

هدف اول: گسترش صلح و همزیستی مسالمت آمیز بر پایه اخلاق.

هدف دوم: تأمل و اندیشه‌ورزی و مبارزه با انواع جهل و خرافات.

هدف سوم: تقویت ایمان به هیبی ربی و پرستش او.

هدف چهارم: انجام عمل صالح.

هدف پنجم: تهذیب و تزکیه نشماتا از تأثیرات روه‌ها.

هدف ششم: پاکی، طهارت و تأمین سلامتی جسمانی (پغرا).

به دلیل لزوم رعایت اختصار مطلب، فقط به هدف واسطی اول، یعنی «گسترش صلح و همزیستی مسالمت آمیز در دین مندائی» پرداخته می‌شود:

یکی از شعارهای اساسی دین صابئین مندائی، برقراری صلح و آرامش همه‌جانبه در جهان و مخالفت با هرگونه جنگ و خشونت است. «گنزاربا» و دیگر کتب مقدس مندائی، حتی‌کبار پیروان خود را به اعمال جنگ و

۳-۲-۳- اهداف تعلیم و تربیت مندائی

اهداف تعلیم و تربیت را می‌توان به دو دسته کلی «غایی» و «واسطی» تقسیم نمود. هدف غایی نهایی‌ترین مقاصد و نقاطی هستند که باید انسان‌ها به آن برسند و اهداف واسطی گام‌هایی محسوب می‌شوند در راه رسیدن به آن اهداف غایی.

۳-۲-۱- هدف غایی تعلیم و تربیت مندائی

با مراجعه به متون مقدس مندائی می‌توان هدف نهایی تربیت مندائی را «به کمال رسانیدن نشمتای (نفس) انسان جهت بازگشت به منشأ خود، یعنی جهان نور و تقرّب به هیبی ربی (خداوند متعال)» دانست. بنابراین به‌طور مختصر می‌توان «تقرّب به خداوند» را هدف غائی و نهایی تعلیم و تربیت مندائی دانست.

«اصغ و تأمل و تعلّم و ارتق بسلام الی عالم النور» (در اشا اد یهیی: ۴۲) ایمان بیاور، اندیشه کن و بیاموز و با سلامتی به جهان نور عروج کن.

با توجه به آنچه که در بررسی مبانی فلسفی آیین صابئین مندائی مطرح شد، خداوند نه تنها مبدأ و منتهای جهان هستی است «موجود منذ القدم، باق الی الأبد» (کنزاربا یمین)، بلکه مبدأ خیر و منشأ تمام کمالات است «هو الخیر الذی لا شر فیه» (همان) بدین ترتیب، منتهای سیر و حرکت انسان که از خدا آغاز شده، «ایتها للؤلؤه الی من کنز الحی أخذت» (کنزاربا یسار) بازگشت به سوی اوست:

«الی بیت الحی سبیلی و نیتی و منطلقی و دلیلی» (کنزاربا)

گرفتید، تحمل و صبر داشته باشید.

۳-۲-۳- اصول تعلیم و تربیت مندائی

اصول، بر پایه‌ی مبانی وضع و تدوین می‌شوند و مبانی نیز از طریق اصول تشخیص و تعیین می‌یابند. اصول تعلیم و تربیت مشتمل بر سلسله‌ای از ضوابط، قواعد و دستور العمل‌های آموزشی- تربیتی‌اند که با تکیه بر مبانی، خود، پشتوانه‌ی فکری و اجرایی عملیات آموزشی- تربیتی و راهنمای اندیشه و عمل معلمان و مربیان قرار می‌گیرند. (رهنمایی، ۱۳۸۷: ۷۷). برخی از اصول تربیت مندائی را می‌توان به صورت زیر ارائه داد:

اصل اول: مسؤولیت

این اصل، ناظر به مبنای اراده و اختیار است. با توجه به این‌که انسان می‌تواند غایت‌هایی را که به سوی آن‌ها حرکت می‌کند به اراده‌ی خود انتخاب کند، باید نسبت به انتخاب خود پاسخگو باشد. حوزه‌های مسؤولیت در دین مندائی متعددند:

الف) مسؤولیت فرد در برابر خدا: «یا نشمتا الحی: سکتب الحکمه فی قلبک... لتسبحی ربک* ستذکرین ربک و تسبحینه» (کنزاربا یسار: ۴۶) ای نفس الهی: حکمت را در دلت انداختم تا پروردگارت را ستایش کنی، همیشه پروردگارت را به یاد داشته باشی و او را عبادت کنی.

ب) مسؤولیت فرد در برابر خود و خانواده: «کل نفس تُسأل هی عن أعمالها، لا تشارک نفس نفساً، و لا تتحمل نفس نفساً» (کنزالیمن: ۲۰۰) هر فردی از اعمال خویش مورد بازخواست قرار می‌گیرد و هیچ نفسی، نفس دیگری را در حساب مشارکت نمی‌کند.

«ربوا ابناءکم و هذبوهم و الحکمه علموهم و أغرسوا فی نفوسهم الأیمان* دعوهم یسلکون طریق الکشطاً* إن من لم یرشد اولاده و لم یعلمهمیحاسبه الله» (کنزاربا یمنین:

خون‌ریزی علیه دیگران تحریض نکرده‌اند و استفاده از قدرت و زور را برایتسلط بر دیگران به کلی مردود و باطل دانسته‌اند، تا جایی‌که قتل عمد یک انسان، گناهی نابخشودنی معرفی شده و باعث خروج قاتل از دین مندائی می‌شود.

«ان الرحمه وجدت بعیداً عن العنف» (دراشا اد یهیی: ۳۴) خیر و برکت به دور از جنگ و ستیز حاصل می‌شود. یکی از نام‌هایی که مندائیان در گزاربا به آن منسوب شده‌اند، «شلمانیا» است. شلمانیا از ریشه «شلم» مندائی و معادل «سلم» عربی است که به معنی «صلح»، «ضد جنگ» و «سلام» ترجمه شده‌است. (مغشش السعدی، ۲۰۱۲ و ابن درید، ۲۰۰۹: ۲۶۲۱) بنابراین معنی شلمانیا، «پیروان صلح و آشتی» و یا «پیروان سلام» می‌شود.

«یا شلمانیا و مهیمینیا، مهیمینیا و شلمانیا» (کنزایمین، به نقل از المرانی، ۱۹۸۱: ۱۶) ای پیروان صلح و سلام و ای مؤمنان، ای مؤمنان و ای پیروان صلح و سلام. بنابراین برقراری صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه، یکی از اهداف واسطی تعلیم و تربیت مندائی خواهد بود. جامعه‌ی ایده‌آل و آرمانی صابئین مندائی از طریق اخلاق قابل تحقق است. برای برپایی جامعه‌ی آرمانی، بهره‌جویی از منش سیاسی اعم از: زور و خشونت، انقلاب و یا توسعه‌ی ارضی ممنوع است. مبارزه‌ی منفی همراه با سکوت و تأمل و خویشتن‌داری در مقابل ظلم و ستم و فساد اخلاقی- اجتماعی، سرلوحه‌ی زندگی سیاسی مندائیان است. (فروزنده، ۱۳۷۷: ۲۳۲)

«و لاتغضبوا، و لاتهتاجوا، ان الغضب و الهیاج مملوءان بوسوسه الشیطان* فأطفئوا نار غضبکم بالأیمان کونوا أقویا ثابتین، فإن اضطهدتم فاحتملوا الاضطهاد» (کنزاربا یمنین: ۲۰) خشمگین و جنگ طلب نباشید که خشم و جنگ آکنده از وسوسه شیطان هستند، آتش خشمتان را با ایمان فرو نشانید، ثابت قدم باشید، و اگر مورد ظلم و ستم قرار

۲۲) فرزندان خود را تربیت کنید و پس از تهذیب، حکمت را به آنان بیاموزید و ایمان را در نفس آنان بکارید، آنان را دعوت کنید تا راه حق را بیمایند، کسی که فرزندان خود را ارشاد و تعلیم ندهد، مورد بازخواست خداوند قرار خواهد گرفت.

ج) مسئولیت فرد در برابر جامعه: «رأس الحنان أن تحن الی الفقراء و المضطهدین» (کنزاربا یمین: ۱۷۳) مهربانی حقیقی این است که به فقیران و ستمدیدگان محبت کنی.

اصل تعامل مؤثر اجتماعی، به عنوان یکی از اصول مهم تربیتی به صورت بسیار گسترده مورد توجه دین صابئین مندائی واقع شده است. خلاصه‌ی این اصل را می‌توان در قاعده‌ی زیر که در بوته‌ای از کتاب مقدس مندائیان، «گزاربا» آمده، یافت:

«أحبوا لأصحابکم ما تحبون لأنفسکم و اکرهوا لهم ما تکرهون لها» (گزاربا یمین: ۲۰) هر آنچه را که برای خود می‌پسندید برای دیگران بپسندید و هر آنچه را که برای خود نمی‌پسندید برای دیگران نیز نپسندید.

اصل دوم: عفو و مسامحت

انسان‌ها به دلیل ضعف نفس، در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می‌شکنند. این خصیصه مانع از آن است که آدمیان در برابر تکالیف دشوار تاب آورند. مسامحت به همراه مهربانی در دین مندائی چنان اهمیت والایی دارد که خداوند در گزاربا از آن‌ها به‌عنوان صفات ساکنان بهشت (عالم نور) یاد کرده است:

«و تحلوا بالحنان و التسامح و الرحمه انما من طبیعه النور» (کنزاربا یمین: ۲۱) و برخورداران را با مهربانی، مسامحت و بخشش که از ویژگی‌های جهان نور است، مزین نماید.

از این‌رو، اصل عفو و مسامحت چون قاعده‌ی عامه‌ای است که در جریان ارتباط تربیتی باید آن‌را مراعات کرد.

اصل سوم: تعامل مؤثر اجتماعی

این اصل، ناظر به ویژگی اجتماعی انسان است. اصل تعامل مؤثر اجتماعی چون قاعده‌ای تجویزی، حاکی از آن است که فعالیت‌های تربیتی را باید چنان سامان داد که فرد بتواند به کسب هویت جمعی مناسبی نایل شود (باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

اصل چهارم: تفکر و تعقل

این اصل، ناظر به یکی از ابعاد شناختی انسان، یعنی «مانا» یا عقل می‌باشد. مانا با صفاتی همچون عارف، شناسنده و تاج‌سر، ویژگی منحصر به فرد آدمی و راهنمای او در شناسایی امور مختلف است. اصل تعقل چون قاعده‌ای تجویزی بیانگر آن است که باید در جریان تعلیم و تربیت، به فعالیت شناختی مانا، جهت دست‌یافتن و همچنین کشف حقایق، توجه و آن‌را هدایت کرد.

اگرچه دین مندائی بیشتر تعالیم خود را بر پایه شناخت مانا پی‌ریزی نکرده و همچون سایر ادیان الهی وحی را بر آن مقدم دانسته، اما این امتیاز ویژه، یعنی شناسایی امور توسط مانا (عقل) را از آدمی سلب ننموده است. در بوته‌های زیادی از گزاربا و دیگر کتب مقدس، مندائیان به تأمل و اندیشه‌ورزی در آیات الهی (آسمان، زمین، دریا، درختان، ماهی‌ها و دیگر موجودات) دعوت شده‌اند. تعلیم حکمت (ملفونا حکمتا) که - از بزرگ‌ترین هدیه‌های الهی به انسان بوده - یکی از وظایف اولیا و معلمان معرفی گردیده و کسانی که از این کار سرباز زنند مورد توبیخ و سرزنش واقع می‌شوند:

«لقد بسط الرب حکمته الثابته و علمها و رسم لکم طریق الحق، فمن لا یأتها و لا یتعلمها یکن خاطئا» (کنزاربا

جلوه‌های کرامت و حفظ عزت انسان، در دین صابئین مندائی چنان گسترده‌اند که کتاب‌های مقدس و تعالیم پیامبران، مملوء از این چنین آموزه‌هاست؛ از جمله اینکه گزاربا از مؤمنان می‌خواهد در هنگام صدقه‌دادن (زدقا) از برملا کردن و آشکارساختن عمل خود جداً خودداری کنند، تا مبدا شخصیت و عزت فرد صدقه‌گیرنده، کم یا از بین‌رود. در دین مندائی صدقه‌ای که در خفا نباشد نه تنها مورد قبول حق قرار نمی‌گیرد، بلکه گناهی بزرگ و ریا محسوب می‌شود:

«و اذا تهبون صدقه یا اصفائی لاتشهدوا علیها* لاتعلم یمینکم بما وهبت شمالکم، و لا شمالکم بما وهبت یمینکم» (کنزاربا یمین: ۱۳) و هنگامی که صدقه‌ای دادید برملایش نسازید* چنان که اگر با دست راست خود صدقه دادید، دست چپ نداند، و اگر با دست چپ خود صدقه دادید، دست راست شما متوجه نشود.

بر این اساس مقصود از اصل عزت، به عنوان یک قاعده‌ی تجویزی این است، که در جریان تعلیم و تربیت، باید طالب علم را مکرم و عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم کرد.

اصل هفتم: محبت

دین مندائی بر به کارگیری محبت و مهربانی در تمام شئون زندگی عنایت و توجه ویژه‌ای دارد. هیبربی به عنوان اولین معلم و کامل‌ترین اسوه‌ی نیک، نسبت به آفریده‌های خود مهربان و لطیف بوده و به آن‌ها محبت و عشق می‌ورزد. «نیها»، یکی از صفات هیبربی، که به «مهربان»، «لطیف» و «دوست‌دار» ترجمه شده‌است. (قاموس مندائی، ۲۰۰۴: ۱۸۵).

«لطیف هو لا یأتیه غیظ و حقد» (کنزاربا: ۱۳) خداوندی که لطیف و مهربان است، غضب و کینه‌توزی در او راه نمی‌یابد.

یمین، ۱۹۸۱: ۲۲) به‌درستی که خداوند حکمت خود را بسط کرد و آن را به شما آموخت، پس کسی که دنبال آن نرود و آن‌را فراموش نکند از خطاکاران است.

از طرف دیگر، جهالت و عدم تأمل در امور به شدت نکوهش شده، تا جایی که جهالت را برای افراد، همانند شمشیر برنده‌ای بر گردن آنان تشبیه نموده‌است.

«ویلٌ للجاهلین الذین هم علی جهالتهم مغلقون» (همان: ۲۹۷) ننگ بر جاهلانی که با نادانی خود [راه تفکر] را بر خود بسته‌اند.

اصل پنجم: تقدم تزکیه‌ی نفس بر علم و معرفت

اصل تقدم تزکیه بر شناخت، چون قاعده‌ای تجویزی بیانگر آن است که قبل از شروع تعلیم و تربیت و ارایه‌ی مطالب، باید کدورت‌ها و ردایل عارض شده بر نفس را پاکسازی و یا حداقل تأثیر منفی آن‌ها را خنثی کرد.

«رأس زکاتک أن تزکی نفسک من الحقد» (همان: ۲۸) زکات حقیقی، چیزی جز تزکیه‌ی نفس از حسد و عداوت نیست.

«زکوا نفوس الطیبین و الصالحین لکیسمعن تعالیم الحی» (کنزاربا یمین: ۲۰۴) نفس‌های پاکان و نیکوکاران را تزکیه نمایید تا شاید آموزه‌های خدا را فراگیرند.

اصل ششم: کرامت و عزت انسان

انسان، شریف‌ترین مخلوقات عالم، حامل گوهری گرانبها از جهان نور، خلیفه‌ی هیبربی در زمین، مسلح به ناصورتا (تعالیم اولیه خداوند)، علت و بهانه‌ی خلقت جهان آفرینش، موجودی بس عزیز و دارای کرامت ویژه‌ای از سوی خالق خویش است. عزیز، یکی از صفات هیبربی است (ازیزا هکیما) و اوست اولین کسی که انسان را کرامت بخشید. به این دلیل انسان در دین مندائی، موجودی عزیز و گرانقدر معرفی شده‌است.

اساسی‌ترین محبت موجود در دین مندائی، پیوند انسان مؤمن با خدای خویش است. در تسبیح دوم، از باب هجدهم گزاربای راست، محبت بین خدا و مؤمن به زیباترین وجه ترسیم شده است «حب المؤمن للحی» (گزاربای راست: ۲۹۹) گویا محبت به خدا، همچون اکسیری است که وقتی بر دل ناصورائی بیفتد، تمام دنیا با متعلقاتش در چشم او خوار و بی‌ارزش می‌شوند:

«أحببت العدلَ منذُ أحببتک* و أحببت الحقَّ منذُ أحببتک* منذُ یومِ عرفتک، عرفت أنَّ الدنیا باطله و أنَّ جمیع نعمها زائله* صرتَ أحبَّ الیَّ من أبی و أمی* أحبَّ الیَّ من أخواتی و إخوتی، و من ابنائی و زوجتی...» (کنزربا یمین: ۲۹۹) از زمانی که محبت تو بر دلم افتاد، عاشق عدل و حق گشتم، از روزی که تو را شناختم، فهمیدم که دنیا و هر آنچه در اوست باطل و فناپذیر است، از همه چیز برای من با ارزش و گرانقدر شدی، برای من، از پدر و مادرم، خواهران و برادرانم، فرزندان و همسر عزیزتر شدی.

منظور از اصل محبت به عنوان قاعده‌ای تجویزی در تعلیم و تربیت آن است که در انجام یا ترک پاره‌ای از اعمال باید از قدرت محبت، نسبت به مرتبی کمک گرفت و با مهربانی با او برخورد کرد.

۳-۳- روش‌های تعلیم و تربیت مندائی

روش‌های تعلیم و تربیت مندائی بسیار متنوع و گسترده‌اند و در کتب مقدس (گزاربا و تعالیمیا درس‌های حضرت یحیی) و همچنین سایر متون مندائی بیان شده‌اند. برخی از این روش‌ها عبارتند از:

۳-۳-۱- روش اسوه‌گزینی

دین مندائی، بر وجود اسوه در تعلیم و تربیت تأکید

فراوانی کرده است. شخصیت‌های بسیاری در دین مندائی به عنوان الگو معرفی شده‌اند. انسان‌های وارسته و بزرگی شایسته‌ی سرمشق‌گیری و اسوه-گزینی هستند، مهم‌ترین الگو و اسوه‌ای که دین مندائی مؤمنان را به سرمشق‌گیری و تقلید از اعمال او دعوت می‌کند، حضرت شیث (شیث بن آدم) دومین پیامبر بزرگ صابئین مندائی است. براساس تعالیم دین مندائی، نفس این پیامبر، یکی از معدود نفوسی است که به درجه‌ی نهایی کمال و پاکی رسیده است، به همین دلیل تمامی نفوس آدمیان بعد از مرگ در جایی به نام «میزان اباثر» با نفس او مقایسه می‌شوند. هر چه اعمال فردی به اعمال شیث نبی مشابهت و همخوانی بیشتری داشته‌باشد، رستگارتر خواهد بود و در نتیجه به جهان نور صعود خواهد کرد.

«شیث بن آدم غرس طیب تضرع فی الأجیال» (در اشا اد یهیی: ۲۳۳) شیث بن آدم نهالی پاک و خوشبوست که بوی خوش آن در تمام نسل‌ها پراکنده شده است.

پیامبران بزرگ مندائی دیگر همچون حضرت آدم، دنانوخت، سام بن نوح و یهیا یوهنا نیز به عنوان الگو و اسوه معرفی شده‌اند، علاوه بر این انبیای الهی می‌توان به زنان بزرگی همچون حواء همسر آدم (ع)، انهر همسر حضرت یحیی (ع) و میریای اشاره کرد.

۳-۳-۲- روش موعظه و نصیحت

موعظه و نصیحت یکی دیگر از مهم‌ترین روش‌های تربیتی دین صابئین مندائی است. کتاب در اشا اد یهیی، موعظه‌کردن و پند و اندرز نمودن‌های مستمر را یکی روش‌های تعلیمی اساسی پیامبران مندائی به ویژه حضرت سام بن نوح و یحیی (ع) معرفی کرده است. بنا به تعبیر این کتاب مقدس، یحیی در روزها مردم را تعمیم و در شب کلاس خود را تشکیل و مردم را موعظه و پند و اندرز می‌داد.

«ثابت علی العهد سام... يعظ و يعلم و يرشد» (در اشا اد یهیی: ۵۳) سام بر عهد خود استوار است، مردم را موعظه و تعلیم و ارشاد می‌کرد.

«فی اماسیه، فی هدوء الیلی یحیی يعظُ و ینادی...» (همان: ۷۸) یحیی غروب و در سکوت شبانگهان موعظه می‌کرد و ندا می‌داد.

برده‌است:

«العادلُ میزان» (کنزاربا یمین: ۱۷۴) انسان عادل همچون ترازوست.

«المؤمن فلاح مُثمر» (همان) انسان مومن، همانند کشاورزی که محصول فراوانی دارد.

۳-۳-۴- روش داستان‌گویی

روش قصه‌گویی به‌طور وسیع در کتب مقدس مندائی مورد استفاده قرار گرفته‌است. برخی از داستان‌هایی که در کتب مقدس مندائیان وارد شده در جدول زیر همراه با منبع و اهداف تربیتی آن‌ها آمده‌است.

۳-۳-۳- روش ذکر امثال

متون مقدس مندائی، در جاهای بسیاری، از مثل برای بیان مفاهیم و حقایق بهره‌برده و ذکر امثال را وسیله‌ای برای تفکر و تذکر انسان‌ها می‌داند. کنزربای راست، در باب نهم خود با عنوان «تعالیم یحیی» از مثل بهره فراوانی

جدول ۱: نمونه‌ای از داستان‌های کتب مقدس مندائی به همراه منبع و اهداف تربیتی

نام داستان	منبع	اهداف تربیتی
رسول نور	گنزای راست	خداشناسی، مبارزه با کفر ناشی از جهل
مرگ شیتل	گنزای چپ	فداکاری، عدم ترس از مرگ، آشنایی با صفات جهان نور
حواء بعد از آدم	////	عدم حزن بر مردگان، صبر، مبارزه با روها
یوشامن	در اشا اد یهیا	نتیجه کبر و عدم پیروی از تعالیم خدا
چوپان نیکوکار	////	محبت به حیوانات، قناعت، دعوت به توحید و مبارزه با شرک
فرشته و چوپان	////	مبارزه با شرک و ستاره‌پرستی
سام بن نوح	////	آشنایی با صفات سام بن نوح، ستایش تعلیم و تربیت فرزندان، حقوق همسرداری، مقام و ارزش زن، دعوت به فضایل اخلاقی همچون؛ مبارزه دوری از رذایل همچون؛ زنا، سرقت، طرب و غنا
صفات یحیی	////	آشنایی با صفات و فضایل اخلاقی یحیی
ازدواج یحیی	////	دعوت به ازدواج، تقسیم‌کار در خانه، عدم حزن بر متوفی
مریای	////	آشنایی با مریای، دختر یکی از بزرگان یهود در اورشلیم

تربیت انسان ضروری است به عنوان «فریضه» قرارداده‌اند. فریضه، یعنی حکمی که انجام آن واجب است و به هیچ‌وجه تعطیل‌بردار نیست. (باقری، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

۳-۳-۵- روش فریضه‌سازی

این روش، از اختصاصات شرایع الهی است که پاره‌ای از دستورالعمل‌های اساسی را که به‌کار بستن آن‌ها جهت

«عَلَمُهُمُ الصَّلَاةُ يَقِيمُونَهَا مَسْبُوحِينَ لِمَلِكِ النُّورِ السَّامِيِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي النَّهَارِ وَ مَرَّتَيْنِ فِي اللَّيْلِ» (کنزآبیا یمین: ۱۰) به آن‌ها نماز خواندن را برای ادانمودن ستایش خداوند یاد ده، سه بار در روز و دوبار در شامگاه. همچنین این روش در روزه بزرگ به خوبی مشاهده می‌شود:

«صوموا الصوم الكبير أنه صوم الكبير ... فلاتكسروا حتى تفارقوا هذا الدنيا ...» (کنزآبیا یمین: ۱۴) بگیرید روزهی بزرگ را ... این روزهی بزرگ را برپا دارید و آن را نشکنید تا آن‌که نفس‌هایتان از زندان تن آزادگردد.

البته فریضه‌سازی در شریعت، حدود و موارد معینی دارد؛ اما آنچه از این روش قابل توجه است، جوهره‌ی آن، یعنی نفس مسأله‌ی فریضه‌سازی و اهمیت آن در ایجاد تغییر و تحوّل در انسان است. بنابراین، با توسعه‌ی این معنا می‌توانیم از فریضه‌سازی در حیطه‌ی اخلاق و تربیت نیز سخن بگوییم. (باقری، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

۳-۳-۶- روش تأمل و تفکر در طبیعت

در سراسر کتب دینی مندائیان بوته‌های زیادی است که طبیعت، یعنی زمین، آسمان، خورشید، ماه، ستارگان، ابر، آب جاری، جریان باد، درختان، دریاها و رودها بالاخره هر امر محسوسی را که بشر در اطراف خود می‌بیند به‌عنوان موضوعاتی که درباره آن باید اندیشید و تفکر و نتیجه‌گیری نمود، یاد کرده‌است.

برای نمونه، گنزاربا در دعوت مندائیان به ازدواج، روش تأمل و تفکر در طبیعت بهره‌برده‌است.

«هل وقفتم على ساحل البحر يوماً؟ هل نظرتم الى السمك كيف يسبح ازوجاً؟ هل سعدتم الى ضفة الفرات العظيم؟ هل تأملتم الأشجار واقفه تشرب الماء على ضفافة و تثمر؟ افلا نظرتم الى الأنهار اليابسه كيف تذبذب على شطانها و تموت؟ كذلك العذاري اللاتي لا يذكرن اسم

الحى، نفوسهم تموت* الرجال الزاهدون فى النساء و النساء الزاهدات فى الرجال كذلك يموتون» (کنزآبیا یمین: ۳۹) آیا روزی بر ساحل دریا ایستاده‌اید؟ آیا ماهیان را دیده‌اید که چگونه به‌صورت جُفت جُفت شنا می‌کنند؟ آیا به کرانه‌ی فرات بزرگ رفته‌اید؟ آیا در درختانی که بر ساحل آن استوار ایستاده، آب‌گرفته و میوه می‌دهند تأمل کرده‌اید؟ مگر ندیده‌اید چگونه درختان در کنار رودهای بی‌آب، خشک شده و می‌میرند؟ این‌گونه نفس‌های دوشیزگانی که نام خدا را بر زبان جاری نمی‌سازند، می‌میرند* نفس‌های مردان و زنانی که از ازدواج سرباز می‌زنند، این‌گونه خواهد مرد.

نتیجه

با مراجعه به منابع اصیل دین مندائی، همچون «گنزاربا» و «دراشا اد یهیی» می‌توان تعالیم و مفاهیمی تربیتی از مقوله‌های فلسفی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی مندائی استخراج و مورد تحلیل و بررسی قرارداد. بر این اساس می‌توان از نظام فلسفی- تربیتی مندائی یادکرد. برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات تعلیم و تربیت مندائی عبارتند از:

۱- تربیت مندائی دارای جنبه‌ی قومی شدیدی می‌باشد.

۲- تعلیم و تربیت مندائی صبغه‌ی دینی دارد.

۳- تعالیم مندائی بر لزوم توجه به فطرت پاک انسانی در تربیت تأکید می‌کند.

۴- علم و حکمت را فقط باید از افراد صادق، پاک و مؤمن فراگرفت. دین مندائی پیروان خود را از فراگرفتن حکمت از افراد شرور، گمراه و مشرک نهی کرده‌است:

«اگر حکیم مومن و راستگویی دیدید به او نزدیک شوید و از علم و حکمتش فرا بگیرید و چنانچه حکیم شروری دیدید تا می‌توانید از او دور شوید (گنزاربا)

راست).

۵- تعلیم و تربیت در دین مندائی دارای منزلت بالایی است. بشارت گنزاربا به معلمان حق، این است که گناهان آن‌ها بخشیده خواهند شد.

«غَفَرُ الْحَيِّ لِلصَّالِحِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ، الَّذِي يُعَلِّمُونَ الْمَنْدَائِيِّينَ» (کنزاً ربا یمین: ۲۵۲) خداوند مومنان نیکوکاری را که به تعلیم مندائیان مشغول‌اند را، مورد آموزش قرار می‌دهد.

۶- تحصیل علم و کسب معرفت برای همه یک تکلیف شرعی است و به هیچ‌وجه این تکلیف ساقط نخواهد شد. انسان هیچ‌وقت از راهنمایی‌ها و هدایت معلمان و حکیمان اهل حق بی‌نیاز نمی‌شود.

«وَبَلِّغْ لِلْقَادِرِينَ عَلَى التَّعَلُّمِ وَ لِاتِّعْلَمُونَ» (در اشا ادبیهی: ۱۴۱) وای بر کسانی که توانایی یادگیری دارند، ولی به دنبال آن نمی‌روند.

۷- والدین از روز اول تولد (با تعمیم در روز سی‌ام و انتخاب ملواشه برای نوزاد خود) مسؤولیت اساسی تعلیم و تربیت فرزندان خود را بر عهده می‌گیرند. اولیایی که فرزندان خود را جهت تربیت به معلم نفرستند، گناهکار خواهند بود و در جهان آخرت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت. همچنین دانش‌آموزانی که در این وظیفه کوتاهی کرده، مورد لعن و محاسبه قرار خواهند گرفت. این موضوع در کتاب «الف» و «تریسار شیالا» و نیز دیوان «اباثر» به صراحت اعلام شده است:

«كُلُّ رَجُلٍ لَا يَرْسُلُ ابْنَهُ إِلَى مَعْلَمٍ سَيَكُونُ مَخْطُئًا وَ سَيَحَاسِبُ يَوْمَ الدِّينِ الْحَسَابَ وَ كُلُّ تَلْمِذٍ يَعْلَمُ وَ لَا يَتَعَلَّمُ فَانَّهُ سَوْفَ يَحَاسِبُ وَ يَلْعَنُ». (هزار و دوازده سوال: ۲۰۱۳) هر پدری که فرزند خود را جهت تعلیم و تربیت به معلمانی نفرستد، گناهکار خواهد بود و در روز حساب مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و هر دانش‌آموزی توانایی یادگیری و تعلیم داشته باشد، اما به دنبال علم

نمی‌رود مورد محاسبه و لعن قرار خواهد گرفت.

۸- محتوای سرورده‌های تعمید، همگی نشان از مسؤولیت پدر در تعلیم و تربیت فرزند خود دارد. اولین درس پدر به فرزند خود، خدانشناسی و توکل به او در طول حیات می‌باشد:

«ای انسان، در اولین روزی که به دنیا آمدی پدرت برای تو چه کاری انجام داد؟ مرا به کنار رودخانه برد و تعمیدم داد. سپس مرا به کنار ساحل رودخانه برد. نام خدا را بر زبان آورد و نان را تکه‌تکه کرد و قسمتی از آن را به من داد. پس از آن کمی از آب مبارک را به من نوشاند.» (سرورده‌های تعمید، به نقل از المرانی: ۱۹۸۱)

۹- یادگیری در دین صابئین مندائی به سن خاصی محدود نمی‌شود و سراسر عمر را فرا می‌گیرد: از روز بزرگ تولد که با خواندن سرورده‌های بالا اولین درس آغاز می‌شود و به‌طور پیوسته ادامه می‌یابد. طبق روایات گنزاربا خداوند حضرت آدم(ع) را در سن هزار سالگی نیز تعلیم می‌داد:

«ای صوریل به زمین هبوط کن، پیش آدم برو و او را حکمت و نیکباید ده.» (کنزارباییسار: ۲)

۱۰- پس از تولد، اولین وظیفه‌ی والدین، انتخاب نام دینی (ملواشه) توسط روحانیون است که بر اساس ساعت و ماه تولد، این نام انتخاب می‌گردد.

۱۱- دین مندائی علاوه به پرورش پسران به تربیت دختران نیز توجه دارد. اما بر اساس کتاب تعالیم حضرت یحیی(ع) محتوای تربیتی برای پسران و دختران نبایستی هم‌سان باشد. همچنین بهتر است دختران توسط معلم زن و پسران توسط معلم مرد تربیت شوند. این موضوع از داستان ازدواج حضرت یحیی(ع) و توصیه‌های این رسول به همسرش آنهر قابل استخراج و استنباط است. (در اشا ادبیهی: ۹۷)

۱۲- تنبیه بدنی در تربیت مندائی مجاز نیست و به

- هیچ وجه توصیه نمی‌شود. چون انسان حامل گوهری ارزشمند به نام نشمناست. نشمنا نفع‌های الهی، پاک و از جهان نور است. هیچ بوته‌ای در مورد تنبیه مشاهده نگردیده‌است.
- ۱۳- معلمان و مربیان بایستی در آموزش از مهارت‌ها و فنون و روش‌های تدریس مناسب استفاده کنند:
- «ویل للمعلم الذی لایعلم بمهاره». (در اشنا اد یهیی: ۱۴۲)
- ننگ باد بر معلمی که با مهارت تعلیم نمی‌کند
- برخی از شعارهای اساسی دین صابئین مندائی همچون؛ برقراری صلح و آرامش همه‌جانبه در جهان و مخالفت با هرگونه جنگ و خشونت، توجه به طهارت و پاکیزگی، استفاده از روش‌های انسانی در تعلیم و تربیت و مخالفت با هرگونه تنبیه بدنی و روانی، توجه به تربیت دختران، پاک بودن ذات بشر و خوشبینی نسبت به او و ... می‌توانند، راهنمای عمل مربیان تربیتی گردند.
- منابع**
- قرآن کریم.
- ابن درید (۲۰۰۹)، جمهوره اللغة. امارات، موسوعه الشعر العربی موسسه محمد بن راشد آل مکتوم.
- الأنیانی: کتاب الأدعیه و الصلوات المندائیه (۲۰۱۱)، ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المندائیه. (MRSC)
- باقری، خسرو (۱۳۸۷)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، شرکت علمی و فرهنگی.
- برنجی، سلیم (۱۳۶۷)، قوم از یاد رفته، کاوشی درباره صابئین مندائی، تهران، دنیای کتاب.
- در اشنا اد یهیا: مواظ و تعالیمیحیی بن زکریا علیه السلام (۲۰۰۱)، ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المندائیه. (MRSC)
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۷)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- السعدی، قیس مغشغش (۲۰۱۲)، قاموس مندائی- عربی و بالعکس، آلمان، انتشارات دریشا.
- سیادت، موسی (۱۳۷۴)، تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان، تهران، موسسه چاپ و نشر آنزان.
- عجیل زاده، پرویز (۱۳۷۶)، صابئین مندائی. اهواز، موسسه فرهنگی انتشارات آیت.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۸۳)، تعمیدیان غریب: مطالعه ای مردم شناختی در دین ورزی صابئین مندائی ایران، تهران، افکار، چاپ دوم.
- عقاد، عباس محمود (۲۰۰۲)، ابراهیم ابوالانبیاء. قاهره، دار نهضه مصر.
- فروزنده، مسعود (۱۳۷۷)، تحقیقی در دین صابئین مندائی با تکیه بر متون مندائی، تهران، انتشارات سماط.
- کنزا ربا کتاب مقدس الصابئین المندائین (۲۰۰۱)، ترجمه جمعی از روحانیون و دانشمندان صابئین مندائی، بغداد، مرکز البحوث و الدراسات المندائیه. (MRSC)
- ماهنامه بیت مندا (۱۳۹۰)، ش ۱۱۹، ۱۱۷.
- مدنی، محمد نمر (۲۰۰۹)، الصابئه المندائون العقیده و التاريخ، دمشق، دار و موسسه ارسلان.
- مرانی، ناجیه (۱۹۸۱)، مفاهیم صابئیه مندائیه؛ تاریخ، دین، لغه، بغداد، شرکه التایمس للطبع و النشر المساهمه.
- نصار، غسان صباح و نشمی، علا کاظم (۱۹۹۷)، العهد المندائی الجدید؛ رحله فی بعض مفاهیم الصابئه، بغداد.
- Drower, E. S. (1937). *The Mandaean of Iraq and Iran: Their cults, customs, magic, legend, and folklore*. London: Oxford University Press